

## آسیب‌شناسی شهروندی زیست‌محیطی با تأکید بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد)

علی اصغر فیروزجائیان گلوگاه<sup>۱</sup>، آزاده شفیعی<sup>۲</sup>

### چکیده

در مطالعات اجتماعی از مفهومی چون بی‌تفاوتی به عنوان یکی از آسیب‌های مهم در شهروندی یاد شده است که مانعی در راه مشارکت سیاسی و اجتماعی و توسعه‌ی ملی است. از این رو بی‌تفاوتی زیست‌محیطی، یکی از مسائل مهم در حوزه‌ی شهروندی زیست‌محیطی است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی در میان شهروندان شهر یزد است. بدین منظور، این تحقیق به شیوه‌ی پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفت. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، کلیه‌ی افراد بالای ۱۸ سال ساکن یزد و حجم نمونه‌ی ۳۹۰ نفر با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب گردید. چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش، نظریه‌ی تلفیقی پاول استرن است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بی‌تفاوتی زیست‌محیطی شهروندان یزد در حد متوسط رو به پایین است. بی‌تفاوتی زیست‌محیطی با نگرش زیست‌محیطی و دانش زیست‌محیطی، احساس مسئولیت، هنجار اجتماعی و عادت به رفتارهای زیست‌محیطی رابطه‌ی معناداری دارد و با افزایش این متغیرها، بی‌تفاوتی زیست‌محیطی کاهش می‌یابد و متغیر نگرش زیست‌محیطی بیش از سایرین بر بی‌تفاوتی تأثیرگذار است. نتیجه تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل توانستند ۲۹

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

a.firozjayan@umz.ac.ir

تاریخ وصول: ۹۶/۵/۲۶

a.shafiei6660@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱

درصد از تغییرات بی‌تفاوتی زیست‌محیطی را تبیین کنند.

**کلمات کلیدی:** شهروندی زیست‌محیطی، بی‌تفاوتی، بی‌تفاوتی زیست‌محیطی، شهروندان شهر یزد

## مقدمه

امروزه شهروندی زیست‌محیطی یکی از مهمترین انواع شهروندی است که مستلزم حقوق و مسؤولیت‌هایی است. منظور از حقوق داشتن حق شرکت در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی و داشتن یک محیط تمیز و قابل زندگی است. در بخش مسؤولیت‌ها نیز حفاظت از منافع نسله‌ای آینده و موجودات دیگر و شرکت فعال در بحث‌های آزاد در رابطه با توسعه‌ی پایدار زیست‌محیطی مد نظر است. در واقع بعد زیست‌محیطی اخلاق شهروندی، در برگیرنده‌ی اخلاق مراقبت است (استیوارد، ۱۹۹۱: ۶۸).

در مطالعات اجتماعی از مفهومی چون بی‌تفاوتی به عنوان یکی از آسیب‌های مهم در حوزه‌ی شهروندی یاد شده است که مانعی در راه مشارکت سیاسی و اجتماعی و توسعه‌ی ملی است. رشد صنعت و فناوری، توسعه‌ی ارتباطات اجتماعی، افزایش افسارگسیخته‌ی جمعیت، جابجایی‌های بزرگ جمعیتی، گسترش شهرنشینی، گسترش منطق محاسبه‌گرایانه در سبک زندگی مدرن، عقلانی شدن رفتار و انتخاب انسان‌ها، تشدید فردگرایی از دید کارشناسان مسائلی است که به نوعی با بی‌تفاوتی ارتباط می‌یابد (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲). بی‌تفاوتی موضوعی گسترده و دارای ابعاد مختلف است؛ بسته به اینکه از چه زاویه‌ای و با چه رویکردی به پدیده‌ی بی‌تفاوتی بنگریم، تعریف آن متفاوت خواهد بود. از این منظر می‌توان با انواع بی‌تفاوتی از جمله بی‌تفاوتی سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی روبرو شد.

بی‌تفاوتی اجتماعی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن شاهدان و ناظران در کمک به افرادی که در یک موقعیت اضطراری قرار دارند و شدیداً نیازمند کمک هستند، مشارکتی ندارند و با بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی از کنار آن می‌گذرند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶). یکی از انواع بی‌تفاوتی اجتماعی که در کشور ما بسیار رایج است، بی‌طرفی

معطوف به محیط زیست است. بی‌تفاوتی زیست‌محیطی عبارت است از عدم علاقه به مسائل محیط زیست و باور به اینکه در مورد مشکلات این حوزه اغراق شده است (تامپسون و بارتون، ۱۹۹۴: ۱۵۷).

حفظ و نگهداری محیط زیست و منابع طبیعی از مهمترین چالش‌هایی است که بشر در قرن بیست و یکم با آن مواجه است. با افزایش مسائل زیست‌محیطی مانند بحران انرژی، اتلاف و تخریب منابع طبیعی و افزایش پسماندهای ناشی از توسعه‌ی شهرنشینی و صنعتی و اثر انسان بر محیط مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، زیرا آنها بسیاری از این معضلات را ناشی از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم رفتارهای انسانی می‌دانند. رفتار غیرمسئولانه‌ی انسان نسبت به طبیعت خسارت شدیدی را به محیط زیست وارد کرده است. انسان با بی‌توجهی و با این نگرش که به عنوان برگزیده‌ی مخلوقات حق حکمرانی بر این کره‌ی خاکی را دارد با استفاده‌ی بی‌رویه و اشتباه خود نه تنها منجر به خطر انقراض دیگر گونه‌های جانوری شده است بلکه زندگی نسل‌های آینده را در فضایی با انواع آلودگی‌ها و فقدان منابع اساسی مورد نیاز بشر با تهدید روبرو کرده است.

این روزها مشکلات زیست‌محیطی ایران، دیگر یک موضوع انتزاعی نیست بلکه هر روز در هر کجای شهر و دیارمان به وضوح قابل مشاهده است، از خشکی زمین گرفته تا گرفتگی هوا، از تخریب تنوع زیستی گرفته تا مرگ تالاب‌ها و دریاچه‌ها، از آلودگی آب‌ها گرفته تا مصرف غلظت انرژی. افزایش سریع جمعیت و توسعه‌ی صنعتی - کشاورزی ایران، تخریب شدید محیط زیست و آلودگی محیطی را به همراه داشته است. شاخص عملکرد زیست‌محیطی سال ۲۰۱۲ که از سوی دانشگاه ییل منتشر می‌شود نشان داد که ایران از میان ۱۳۲ کشور جهان در مقام ۱۱۴ جهان قرار دارد (حاجی زاده میمندی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳).

استفاده‌ی بی‌رویه از انرژی در منازل و مصرف بیش از حد برق، آب، گاز (در ساعات پرمصرف) (زارع شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸؛ التیامی نیا و حسینی، ۱۳۹۴:

(۷۸)، استفاده از لوازم یک‌بار مصرف، استفاده از وسایل نقلیه‌ی شخصی، استفاده از انواع آفت‌کش‌ها، دفع مواد زائد به شیوه‌ی غیر بهداشتی، ریختن زباله در معابر عمومی، پارک‌های جنگلی و پارک‌های سطح شهر، سرازیر شدن شیرابه‌ی زباله‌ها به داخل رودخانه‌ها، جمع‌آوری و عدم تفکیک زباله به منظور بازیافت، از انواع بی‌تفاوتی انسان‌ها نسبت به محیط زیست در ایران می‌باشد (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۱۲۲؛ حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۳). شکار غیرمجاز به عنوان دیگر مشکل زیست‌محیطی، یکی از عوامل کاهش و انقراض گونه‌های جانوری در ایران است (قاسمی و کلتی، ۱۳۸۹).

امروزه مسأله‌ی محیط زیست تنها به مسائل محیط‌زیستی و اکولوژی محدود نمی‌شود بلکه متأثر از ویژگی‌های منحصر به فرد هر منطقه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است (زمانی مقدم و سعیدی، ۱۳۹۲: ۲۰). بدون شک بحران‌های زیست‌محیطی معاصر، زاینده‌ی اندیشه‌های مادی‌نگر، توسعه‌طلب، سلطه‌جو و در یک کلام معلول کژاندیشی فکری و جهالت عملی انسان در جهان است (نبوی و شهریاری، ۱۳۹۳: ۷۰). برخی علت دگرگونی و تخریب ناشی از ناآگاهی و یا عدم توجه انسان به محیط اطراف را به دلیل کمبود آموزش‌های علمی و نیز خودخواهی انسان و پشت پا زدن به ارزش‌ها و آداب و رسوم گذشته در جهت حفظ و حمایت از آن می‌دانند (زمانی مقدم و سعیدی، ۱۳۹۲: ۲۰). به اعتقاد بارو (۱۳۸۰) ناآگاهی انسان در مورد ارتباط میان فعالیت‌هایش با محیط زیست به دلیل نادرستی و ناکافی بودن اطلاعات، داشتن نگرش‌های نادرست به محیط زیست، عدم مسؤولیت در قبال محیط زیست و بسیاری عوامل دیگر است (صالحی عمران و آقامحمدی، ۱۳۸۷: ۹۴).

مسائل زیست‌محیطی در ایران مختص یک منطقه نیست بلکه همه‌ی مناطق کشور با انواع آسیب‌های زیست‌محیطی مواجه هستند؛ یکی از این مناطق شهر یزد است. وضعیت محیط زیست استان یزد محصول یک فرایند تاریخی است که پیوسته با دخالت عوامل طبیعی و انسانی، دستخوش تغییر و تحولات بسیار طولانی شده است. به صورت کلی مشکلات زیست‌محیطی یزد را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: بهره‌برداری بی‌رویه

از برخی مراتع و عدم تعادل دام و مرتع، بهره‌برداری بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی، خشکسالی، کمبود بارندگی و فرسایش شدید بادی، پیشروی شنهای روان و افزایش بیابان‌زایی، توجه یکسویه به گسترش صنعت، معدن و طرحهای توسعه‌ای بدون توجه به پیامدهای زیست‌محیطی، واگذاری بی‌رویه و بدون نظارت معادن در استان یزد. از دیگر معضلات زیست‌محیطی استان یزد می‌توان به ریختن زباله‌ها در سطح شهرها و مناطق طبیعی، قطع و صدمه زدن به درختان، تخریب و آسیب‌رسانی به اماکن و ابنیه‌ی تاریخی، شکار بی‌رویه‌ی حیوانات بومی منطقه توسط شهروندان اشاره کرد (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۲). بسیاری از این مسائل ناشی از بی‌توجهی و بی‌تفاوتی مسؤولان و شهروندان به حقوق زیست‌محیطی است. مهمترین مسأله‌ی زیست‌محیطی شهر یزد در این سالها مسأله‌ی کمبود آب و زباله است. این دو مسأله مستقیماً با رفتار شهروندان در ارتباط است. بحران آب حتی در آینده می‌تواند شهر یزد را به تعطیلی بکشاند و تعهدات شهروندی در این رابطه می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد. بی‌تفاوتی زیست‌محیطی در هر سطحی می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیر و حتی تهدید جدی بر زندگی مان وارد کند. بر همین اساس تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که میزان بی‌تفاوتی زیست‌محیطی شهروندان (مورد مطالعه: شهر یزد) چقدر است؟ و اینکه چه عواملی بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد تأثیر می‌گذارند بنابراین این تحقیق دارای دو هدف اصلی است:

۱- بررسی میزان بی‌تفاوتی زیست‌محیطی در میان شهروندان یزد

۲- بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی در میان شهروندان یزد

### ادبیات تحقیق

مطالعات انجام شده در حوزه‌ی جامعه‌شناسی محیط زیست بیشتر بر نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی، فرهنگ و محیط زیست، شهروندی محیط زیست، آموزش زیست‌محیطی، مخاطرات زیست‌محیطی متمرکز است. در پژوهش‌های داخلی، مطالعه‌ای که به صورت خاص به مسأله‌ی بی‌تفاوتی نسبت به محیط زیست پردازد یافته نشد.

در پژوهش‌های داخلی با وجود توجه به موضوع بی‌تفاوتی اجتماعی (مسعودنیا (۱۳۸۰)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۶)، مجیدی و همکاران (۱۳۹۰)، قاضی زاده و کیانپور (۱۳۹۳)، فولادیان (۱۳۹۳) و نوابخش و میرزاپوری (۱۳۹۴)) مطالعه‌ای مبنی بر بررسی بی‌تفاوتی زیست‌محیطی انجام نگرفته است. مطالعات انجام گرفته در حوزه‌ی محیط زیست عمدتاً مربوط به مباحث نگرش زیست‌محیطی، دانش و آگاهی زیست‌محیطی و رفتار زیست‌محیطی است (صالحی عمران و آقامحمدی (۱۳۸۷)، میردامادی و جوکار (۱۳۸۹)، کریمی (۱۳۸۹)، فیروزجائیان و غلامرضازاده (۱۳۹۴)). مطالعه پژوهش‌های پیشین، خلأ مطالعه درباره‌ی این موضوع را آشکار می‌کند. بر خلاف پژوهش‌های داخلی، تحقیقات خارجی به صورت گسترده به موضوع بی‌تفاوتی زیست‌محیطی پرداخته‌اند. بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته برای بررسی بی‌تفاوتی زیست‌محیطی به شیوه‌ی پیمایشی و با ابزار پرسشنامه و یا از طریق نظرسنجی تلفنی انجام گرفته است. برخی از مطالعات به شیوه‌ی تحلیل محتوا و گفتمان و برخی دیگر در حوزه‌ی روانشناسی انجام گرفته است. لیونس و بریکول (۱۹۹۴) با بررسی دانش و نگرش زیست‌محیطی متوجه شدند که هرچه دانش و آگاهی زیست‌محیطی کمتر باشد، بی‌تفاوتی نسبت به محیط زیست نیز بیشتر خواهد شد اما کلستد (۲۰۰۸) در نتیجه‌ای غیرمنتظره دریافت که آگاهی بیشتر نسبت به مسأله‌ی تغییر آب و هوایی منجر به بی‌تفاوتی بیشتر و احساس مسؤولیت کمتری در مورد آن می‌گردد. لرتزمن (۲۰۰۹) با دیدگاهی روانکاوی به توضیح بی‌تفاوتی زیست‌محیطی می‌پردازد. به عقیده‌ی لرتزمن مکانیسم دفاعی ضمیر ناخودآگاه انسان در برابر مشکلات و تهدیدات زیست‌محیطی فعال می‌شود و به شکل انکار و یا بی‌تفاوت بودن نسبت به مسائل، خود را نشان می‌دهد. نتایج مؤسسه‌ی گالوپ (۲۰۱۰) نشان‌دهنده‌ی رشد بی‌تفاوتی در امریکا بود. بی‌تفاوتی زیست‌محیطی با متغیر سن رابطه‌ی معنادار مثبت و با تحصیلات رابطه‌ی منفی دارد. ضمن اینکه افراد لیبرال نسبت به محیط زیست، نگرانی زیست‌محیطی بیشتری دارند. الکساندرا کن (۲۰۱۰) معتقد است که تأکید بر فرد به جای جمع می‌تواند به کاهش بی‌تفاوتی زیست‌محیطی کمک کند چرا که اثر

جمعی با خود لوث مسؤولیت و اثر تماشاجی را به همراه دارد. فیگینا بی‌تفاوتی زیست‌محیطی را ناشی از توجه وضع موجود می‌داند. جونمان و مگدایان (۲۰۱۳) در حوزه‌ی روانشناسی دریافتند که متغیر خودشیفتگی ارتباط مستقیم با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی دارد (نیلسون و النگیسون ۲۰۱۵). در تحقیقی در میان شرکت‌های گردشگری که با روش تحلیل گفتمان انتقادی انجام داده‌اند مشاهده کردند که اقتصاد نئوکلاسیک مسلط بر گفتمان این شرکت‌ها مانع از توجه به محیط زیست می‌شود.

### چارچوب نظری

در این پژوهش از نظریه‌ی استرن استفاده شده است. نظریه VBN ترکیبی از نظریه‌های نظریه‌ی ارزش، نظریه‌ی هنجار فعال‌سازی و پارادایم زیست‌محیطی جدید است که از طریق زنجیره‌ی علی، پنج متغیره فرد را نسبت به رفتار خاصی هدایت می‌کند: اولین عامل، مجموعه‌ی شوارتز شامل ارزش‌های شخصی نوع‌دوستی در مقابل خودخواهی، سنت‌گرایی در مقابل منعطف بودن برای تغییر ارزش‌هاست؛ عامل دوم پارادایم زیست‌محیطی است؛ عوامل سوم و چهارم دو جزء نظریه هنجار فعال‌سازی در ارتباط با هنجارهای اخلاقی، آگاهی از عواقب<sup>۱</sup> (AC) و انتساب مسؤولیت<sup>۲</sup> (AR) (با توجه به شرایط کلی محیط بیوفیزیکی) هستند؛ عامل پنجم شامل هنجارهای شخصی<sup>۳</sup> برای اقدام زیست‌محیطی است. این مدل فعالیت‌های زیست‌محیطی، شهروند طرفدار محیط زیست، حمایت از سیاستها و رفتار در حوزه‌ی خصوصی را توضیح می‌دهد (استرن و همکاران، ۱۹۹۹، استرن، ۲۰۰۰). به عقیده‌ی استرن، مطالعاتی که تنها عوامل نگرشی را مورد بررسی قرار می‌دهند احتمالاً نتیجه‌ی آثار را به صورت متناقض ارزیابی می‌کنند، زیرا این اثرات مشروط به عوامل زمینه‌ای و توانایی‌ها و مطالعاتی هستند که تنها به بررسی متغیرهای زمینه‌ای نظیر انگیزه‌های مادی، هنجارهای اجتماعی می‌پردازند، ممکن است نتایجی را استنتاج کنند که وابسته به نگرش و باور افراد است. استرن با تأکید بر عوامل

---

1 awareness of consequences  
2 ascription of responsibility  
3 Personal Norms

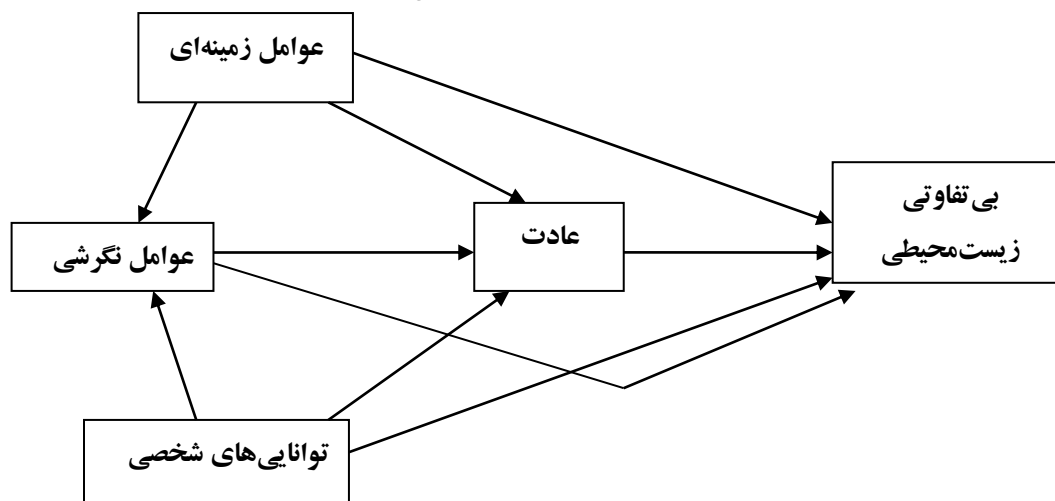
درونی و همینطور عوامل بیرونی معتقد است که فرد تحت تأثیر این عوامل، رفتاری را در حمایت یا مخالفت ارزش‌های محیطی از خود بروز می‌دهد. از این رو می‌توان از این نظریه در تبیین بی‌تفاوتی زیست‌محیطی استفاده کرد. با استفاده از نظریه‌ی استرن که هم به عوامل فردی و هم اجتماعی توجه می‌کند، می‌توان پدیده‌ی بی‌تفاوتی نسبت به مسائل زیست‌محیطی را تبیین کرد. استرن به چهار عامل به عنوان تعیین‌کننده‌های رفتار در رابطه با محیط اشاره می‌کند (استرن، ۲۰۰۰، فیروزجائیان و غلامرضازاده، ۱۳۹۴: ۱۳۰) : ۱. عوامل نگرشی: شامل نگرش‌های زیست‌محیطی و غیر زیست‌محیطی، هنجارهای شخصی، باورها و ارزش‌هاست. این نظریه یک سلسله‌مراتب از ارزش‌ها، باورهای زیست‌محیطی و هنجارهای شخصی را برای تبیین رفتار زیست‌محیطی شرح می‌دهد: ارزش‌های نوع‌دوستانه و یا زیست‌محیطی با تأکید بر علایق و منافع شخص به محیط زیست، آگاهی کلی از مشکلات زیست‌محیطی (اندازه‌گیری شده با مقیاس NEP)، آگاهی از عوارض جانبی رفتارهای بشر بر روی محیط زیست، احساس مسئولیت برای اقدام، فعال کردن یک هنجار شخصی برای نجات محیط زیست. هنجار شخصی فعال شده بر روی رفتار زیست‌محیطی فرد تأثیر می‌گذارد. طبق این نظریه درک مشکلات زیست‌محیطی با شدت و تهدید کمتر یا بیشتر به ساختار ارزش‌ها بستگی دارد. کارپیاک و باریل (۲۰۰۸) نشان دادند که استدلال اخلاقی با اعتقاد به اهمیت ذاتی طبیعت (طبیعت‌محوری) همبستگی مثبت و با اعتقاد به اینکه طبیعت به دلیل نفعی که برای بشر دارد حائز اهمیت است (انسان‌محوری) بی‌ارتباط و با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی ارتباط منفی دارد. نگرانی زیست‌محیطی همانند طبیعت‌محوری یا پارادایم جدید زیست‌محیطی (NEP)، با رفتار دوستانه‌ی زیست‌محیطی در ارتباط است و توسط استدلال اخلاقی پیش‌بینی می‌شود بنابراین هنجار شخصی برای عمل ممکن است که در بین افرادی با ارزش‌های جمعی بیشتر که در مورد نیاز به حفظ طبیعت آگاهی دارند و برای اقدام کردن احساس مسئولیت می‌کنند، فعال شود. متغیرهای احساس مسئولیت، احساس اثربخشی، هنجارهای شخصی و نگرش زیست‌محیطی به عنوان متغیرهای نگرشی تأثیرگذار بر



بی‌تفاوتی زیست‌محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرند. ۲. عوامل زمینه‌ای (بیرونی): شامل تأثیرات بین شخصی (ترغیب و مدلسازی)، انتظارات اجتماع، تبلیغات، قوانین دولتی، عوامل قانونی و نهادی دیگر، پاداش‌ها و هزینه‌های مالی، قابلیت‌ها و محدودیت‌های ارائه شده توسط تکنولوژی و محیط ساخته شده (طراحی ساختمان، در دسترس بودن مسیر دوچرخه، فن‌آوری انرژی خورشیدی)، در دسترس بودن سیاست‌های عمومی برای حمایت از رفتار (به عنوان مثال، برنامه‌های بازایافت سطلهای کنار خیابان)، ویژگی‌های مختلف زمینه‌ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (به عنوان مثال، قیمت نفت، حساسیت دولت به فشارهای گروه عمومی و بهره، نرخ بهره در بازارهای مالی) است. از میان متغیرهای زمینه‌ای، متغیر هنجار اجتماعی که می‌تواند بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد تأثیر بگذارد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ۳. توانایی‌های شخصی: شامل دانش و مهارت‌هایی که برای کنش‌های خاص (به عنوان مثال، مهارت‌های یک تدارک‌دهنده‌ی جنبش برای فعالیت، دانش مکانیکی برای تعمیرات صرفه‌جویی انرژی در خانه) نیاز است. همچنین دسترسی به زمان برای کنش توانایی‌های عمومی و منابعی چون درآمد، سواد، پایگاه و قدرت اجتماعی، متغیرهای جمعیت‌شناختی اجتماعی مانند سن، دستیابی به امکانات آموزشی، نژاد و درآمد ممکن است از شاخص‌های توانایی شخصی است. یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که کارآمدی شهروندی زیست‌محیطی به منابع اجتماعی و اقتصادی فرد بستگی دارد. همچنین، در مورد فعالیت‌های زیست‌محیطی، که متغیرهای نگرشی قدرت تبیین‌کنندگی بسیار کمی دارند، با سن و درآمد به صورت معکوس مرتبط است. از دانش زیست‌محیطی به عنوان متغیر توانایی شخصی تبیین‌کننده بی‌تفاوتی زیست‌محیطی استفاده خواهد شد. ۴. عوامل عادت: عادات نوع متمایزی از متغیرهای علی هستند. تغییر رفتار اغلب نیاز به کنارگذاشتن عادات قدیمی و تثبیت عادات جدید است. عادت، یک عامل کلیدی در الگوی قابل توجه رفتار سازمانی سازگار با محیط زیست است. (استرن، ۲۰۰۰: ۴۱۷، به نقل از فیروزجائیان و غلامرضازاده، ۱۳۹۴: ۱۳۰). برای تبیین بی‌تفاوتی زیست‌محیطی، متغیر عادت به عنوان یکی دیگر از متغیرهای

مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظریه‌ی استرن معطوف به رفتارهای محیط‌گراست. از این رو می‌توان از نظریه‌ی استرن به عنوان چارچوب نظری برای تبیین بی‌تفاوتی زیست‌محیطی استفاده کرد چرا که از نظر او، فرد تحت تأثیر عوامل درونی (نگرشی) و بیرونی، رفتاری را در حمایت یا مخالفت با ارزش‌های محیطی از خود بروز می‌دهد. در این تحقیق از منظر استرن بر چهار عامل نگرشی، زمینه‌ای، توانایی‌های شخصی و عاداتی تأکید شده است. بر این اساس می‌توان مدل نظری زیر را بر اساس نظریه‌ی استرن ارائه کرد.

مدل نظری (۱): مدل نظری روابط بین متغیرهای مستقل بی‌تفاوتی زیست‌محیطی



#### فرضیات تحقیق

- بین عوامل نگرشی و بی‌تفاوتی زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
  - نگرش مثبت زیست‌محیطی با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد رابطه دارد.
  - احساس مسؤلیت با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد رابطه دارد.
  - احساس اثربخشی با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد رابطه دارد.
- بین توانایی‌های شخصی و بی‌تفاوتی زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
  - دانش زیست‌محیطی با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد رابطه دارد.
- بین عوامل عاداتی و بی‌تفاوتی زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

- عادت به رفتارهای زیست‌محیطی با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد رابطه دارد.
- بین عوامل زمینه‌ای و بی‌تفاوتی زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.
- مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی جامعه با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد رابطه دارد.

### روش تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه‌ی آماری را افراد ۱۸ سال به بالای ساکن شهر یزد تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است و در نتیجه، تعداد ۳۹۰ نفر به عنوان نمونه‌ی تحقیق تعیین شد. در این پژوهش از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. با توجه به مناطق و محله‌های موجود در شهر یزد، مناطق موجود را برحسب ملاک‌های عرفی، اجتماعی و اقتصادی به سه طبقه‌ی پایین شهر، متوسط و بالای شهر دسته‌بندی و در مرحله‌ی بعد از هر طبقه، ۵ منطقه را به شیوه‌ی تصادفی ساده انتخاب کرده و از هرکدام از مناطق انتخاب شده ۲۶ پاسخگو به صورت تصادفی، با توجه به پلاک منزل انتخاب شده است. داده‌ها در تابستان ۱۳۹۵ گردآوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون مدل نظری از مدل ساختاری AMOS استفاده شده است. بررسی پایایی متغیرهای تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ نشان داد که آلفای همه‌ی شاخص‌ها به غیر از متغیر احساس اثربخشی مورد قبول بوده است. یکی از گویه‌های متغیر احساس اثربخشی با دیگر گویه‌ها، همبستگی پایینی داشت که موجب پایین آمدن ضریب آلفا می‌شد. از این رو آن سؤال از شاخص حذف شد.

جدول شماره‌ی (۱): جدول ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

شاخص	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
بی تفاوتی زیست محیطی	۹	۰.۷۶
نگرش زیست محیطی	۸	۰.۷۲
عادت	۷	۰.۶۸
احساس مسئولیت	۸	۰.۷۳
احساس اثربخشی	۴	۰.۷۱
مسئولیت پذیری زیست محیطی جامعه	۵	۰.۸۳

### تعریف مفاهیم

متغیر وابسته در این تحقیق بی تفاوتی زیست محیطی است که عبارتند از بی تفاوتی عمومی نسبت به مسائل زیست محیطی، عدم علاقه به مسائل زیست محیطی و باور عمومی به اینکه مشکلات در این زمینه اغراق شده است، می باشد (تامپسون و برتون، ۱۹۹۴: ۱۵۱). در پژوهش حاضر برای سنجش متغیر بی تفاوتی زیست محیطی، ۹ گویه از پژوهش تامپسون و برتون (۱۹۹۴) استخراج شده است.

دانش زیست محیطی:

دانش زیست محیطی می تواند به عنوان توانایی یک فرد برای شناسایی تعدادی از نمادها، مفاهیم و الگوهای رفتاری مربوط به حفاظت از محیط زیست تعریف شود. در این تحقیق برای سنجش دانش زیست محیطی از ۴ گویه از پژوهش کایسر و همکاران (۱۹۹۹) استفاده شده است.

نگرش زیست محیطی:

به عقیده‌ی میلنت و داکیت<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، نگرش زیست محیطی که یک ساختار تعیین کننده در روانشناسی زیست محیطی است، به عنوان تمایل روانشناختی ابراز شده توسط ارزیابی محیط زیست طبیعی با درجه‌ای از طرفداری یا مخالفت تعریف شده است. نگرش

1. Taciano L. Milfont & John Duckitt

زیست‌محیطی معمولاً به عنوان پیش‌شرط برای دستیابی به رفتار زیست‌محیطی درک شده است. برای سنجش متغیر نگرش زیست‌محیطی ۸ گویه از مقیاس NEP انتخاب شده است.

مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی جامعه

مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی جامعه به معنی ارزیابی فرد از میزان تعهدات و کنشهای افراد و سازمانهای موجود در جامعه در رابطه با حمایت از محیط زیست است. برای سنجش این متغیر از ۵ گویه از جمله نوشتن نامه و تهیهی طومار در زمینهی محیط زیست، حمایت مالی، فعالیتهای زیست‌محیطی و... توسط افراد و سازمانها استفاده شده که از تحقیق (دوهرتی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴) به دست آمده است. مسئولیت‌پذیری نوعی کنش فرد در رابطه با محیطی زیست است.

احساس مسئولیت:

احساس مسئولیت یعنی اینکه چقدر فرد احساس می‌کند که رفتارش تأثیرگذار است و به چه میزان فرد شخصاً مسؤول عواقب رفتارش است، می‌تواند بر رفتار و عملکردش تأثیر داشته باشد. افرادی که رفتار زیست‌محیطی ندارند، احساس می‌کنند که آنها نمی‌توانند بر موقعیتشان تأثیر بگذارند و یا نباید نسبت به آن احساس مسئولیت داشته باشند. این بدان معنی است که هرچه عدم احساس مسئولیت شخص بیشتر شود، بی‌تفاوتی او نسبت به محیط زیست بیشتر خواهد شد (فیروزجائیان و غلامرضازاده، ۱۳۹۴: ۱۰۳). برای سنجیدن متغیر احساس مسئولیت، ۸ گویه از تحقیق هایتکو<sup>۲</sup> و ماتولیچ<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) انتخاب شده است. احساس مسئولیت به نوعی نگرش فرد در رابطه با مسئولیت‌پذیری و قدرت تأثیرگذاری خود است.

احساس اثربخشی:

احساس اثربخشی می‌تواند به عنوان اعتقاد فرد به توانایی خویش برای مدیریت و کنترل

---

1 Doherty

2 Haytko

3 Matulich

عمل مورد نیاز برای رسیدگی به شرایط خاص در آینده‌ی نزدیک، تعریف کرد. در حوزه‌ی روانشناسی زیست‌محیطی، احساس اثربخشی، ادراک فرد از خود و توانایی‌هایش برای ایجاد تغییر مثبت در مورد محیط زیست است. اگر فرد احساس کند که قادر به انجام عملی نیست، حتی با وجود پاداش زیاد، آن‌ها آن کار را انجام نمی‌دهند و قادر به مقابله با مشکلات نیستند (ساویتری و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۰). برای سنجش متغیر احساس اثربخشی از ۵ گویه استفاده شده است که از پژوهش‌های دوهرتی (۲۰۱۴) و آبراهام و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) به دست آمده است.

عادت به رفتارهای زیست‌محیطی:

طبق نظریه‌ی استرن (۲۰۰۰) عادت یک عامل کلیدی در تبیین رفتار زیست‌محیطی است. براساس دیدگاه تری اندیس (۱۹۸۰) می‌توان عادت‌ها را بر اساس تعداد دفعات تکرار رفتار، ارزیابی رفتار فرد در موقعیت‌های مختلف و اینکه فرد اغلب چگونه به یک موضوع یا موقعیت واکنش نشان می‌دهد؛ اندازه‌گیری کرد (فیروزجائیان و غلامرضازاده، ۱۳۹۴: ۱۰۳). در این تحقیق با استفاده از ۷ گویه اقدام به سنجش متغیر عادت کرده‌ایم.

### تحلیل یافته‌ها

#### توصیف اجمالی نمونه

اطلاعات در این تحقیق از بین ۳۹۰ نفر از شهروندان زن و مرد بالای ۱۸ سال، جمع‌آوری شده است. از ۳۹۰ نفر پاسخگو، ۴۷/۴ درصد از پاسخگویان تحقیق حاضر را مردان و ۵۲/۶ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل داده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل توصیفی متغیر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی که در ۹ گویه بررسی شد، نشان می‌دهد که ۳۱/۸ درصد از افراد دارای بی‌تفاوتی زیست‌محیطی کم، ۶۷/۲ درصد بی‌تفاوتی متوسط و ۰/۱۰ درصد از افراد نیز دارای بی‌تفاوتی زیست‌محیطی زیاد هستند. به این ترتیب بی‌تفاوتی زیست‌محیطی بیش از نیمی از افراد نمونه در سطح متوسط روبه پایین هستند که با توجه به معناداری آزمون می‌توان این نتیجه را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. در

نتیجه می‌توان گفت که میانگین بی‌تفاوتی زیست‌محیطی شهروندان یزد در سطح متوسط رو به پایین است. نتایج نشان می‌دهد که ۰ درصد از افراد نمونه احساس مسئولیت خود را نسبت به محیط زیست را کم، ۲۲/۹ درصد متوسط رو به پایین، ۶۶/۶ درصد متوسط، ۱۰/۵ درصد متوسط رو به بالا و ۰ درصد زیاد اعلام نمودند. ۶۵ درصد از افراد نمونه دانش زیست‌محیطی زیاد، ۲۳ درصد متوسط رو به بالا، ۹/۱ درصد متوسط، ۱/۹ درصد متوسط رو به پایین و ۱/۱ درصد کم اعلام نمودند. ۲۵/۲ درصد مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی جامعه را کم، ۴۸/۳ درصد متوسط رو به پایین، ۱۵ درصد متوسط، ۸/۹ درصد متوسط رو به بالا و ۲/۶ درصد آن را زیاد اعلام نمودند. در مورد متغیر نگرش زیست‌محیطی افراد نمونه، ۴۸/۵ درصد متوسط، ۴۹ درصد متوسط رو به بالا و ۲/۶ درصد زیاد اعلام نمودند. ۸/۴ درصد از افراد نمونه‌ی احساس اثربخشی را متوسط، ۳۱/۹ درصد احساس اثربخشی را متوسط رو به بالا و ۵۹/۷ درصد زیاد توصیف کردند. ۴/۲ درصد از افراد نمونه عادت به رفتارهای زیست‌محیطی را در حد کم، ۴۸/۷ درصد در حد متوسط رو به پایین، ۴۱/۸ درصد در حد متوسط، ۵/۴ درصد در حد متوسط رو به بالا و ۰ درصد در حد زیاد توصیف کردند.

### آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از همبستگی پیرسون استفاده شد. در این تحقیق از شش متغیر مستقل برای تبیین بی‌تفاوتی زیست‌محیطی استفاده کردیم که در نتیجه شش فرضیه‌ی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آزمون همبستگی آنها در جدول زیر گزارش شده است.

جدول (۲): جدول آزمون همبستگی متغیرهای مستقل با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش زیست‌محیطی	-۰.۴۲	۰.۰۰۰
دانش زیست‌محیطی	-۰.۲۴	۰.۰۰۰
مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی جامعه	-۰.۱۴	۰.۰۰۰

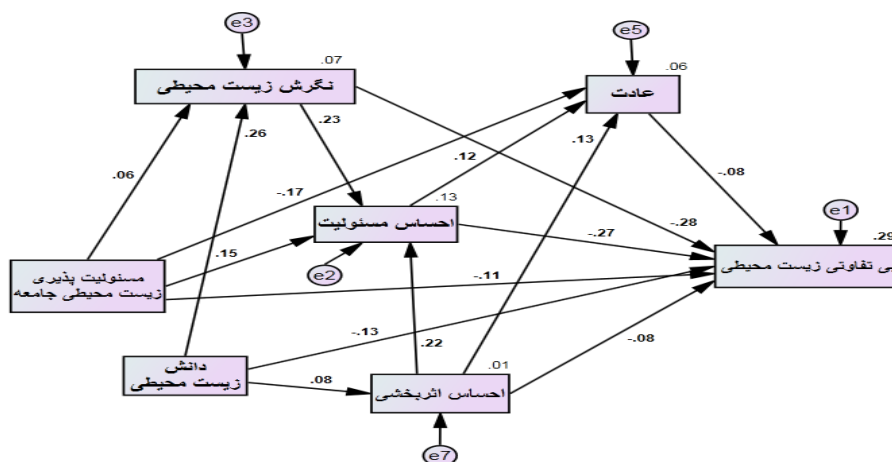
۰.۰۱	-۰.۱۲۳	عادت به رفتار زیست‌محیطی
۰.۰۰۰	-۰.۳۸	احساس مسؤولیت
۰.۰۰	-۰.۱۵	احساس اثربخشی

جدول بالا بیانگر آزمون ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیرهای نگرش زیست‌محیطی، احساس مسؤولیت، دانش زیست‌محیطی، مسؤولیت‌پذیری زیست‌محیطی جامعه، احساس اثربخشی و عادت به رفتارهای زیست‌محیطی با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی رابطه‌ی معنادار و منفی وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه این رفتارها تقویت گردند، بی‌تفاوتی زیست‌محیطی نیز کاهش می‌یابد.

### آزمون مدل

برای آزمون مدل و تحلیل ارتباط بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، تحلیل مسیر از طریق Amos انجام شده است. نتایج مدل تجربی نشان می‌دهد که  $R^2$  برابر با ۰/۳۰ است. به این ترتیب قدرت تبیین تغییرات بی‌تفاوتی زیست‌محیطی به وسیله‌ی متغیرهای حاضر در مدل، ۳۰ درصد است.

مدل تجربی (۲): مدل مسیر روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته (بی‌تفاوتی زیست‌محیطی)



Degrees of freedom = 6 sig=0.07 RMSEA=0.05 R2=0.29



مدل بالا بیانگر مدل مسیر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی با شش متغیر مستقل است. براساس این مدل، بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی مربوط به متغیر مستقل نگرش زیست‌محیطی ( $Beta = -0/28$ ) می‌باشد و بعد از آن متغیر احساس مسؤولیت ( $Beta = -0/27$ ) است. متغیر دانش زیست‌محیطی ( $Beta = -0/13$ ) سومین متغیر مستقل تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی است. متغیر مسؤولیت زیست‌محیطی جامعه ( $Beta = -0/11$ ) چهارمین متغیر تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی است. بعد از آن متغیر عادت به رفتارهای زیست‌محیطی و احساس اثربخشی کمترین تأثیر را بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی دارد ( $Beta = -0/08$ ). همچنین این متغیرها تأثیر غیر مستقیمی نیز بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی دارند. بر اساس جدول شماره ۵ بیشترین تأثیر کل مربوط به متغیر نگرش زیست‌محیطی و کمترین آن مربوط به متغیر عادت است.

جدول شماره ۵ (۳): جدول اثرات چندگانه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

نام متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل
عادت	-0/08	0	-0/08
احساس مسؤولیت	-0/27	-0/01	-0/28
نگرش زیست‌محیطی	-0/28	-0/06	-0/34
احساس اثربخشی	-0/08	0-/07	-0/15
دانش زیست‌محیطی	-0/13	-0/10	-0/23
مسؤولیت‌پذیری زیست‌محیطی جامعه	-0/11	-0/04	-0/15

آماره‌های برازش بیانگر قابل قبول بودن روابط بین متغیرهای حاضر در مدل است زیرا این آماره‌ها نشان می‌دهند که آیا مدل نظری با داده‌های نمونه‌ای تناسب دارد یا خیر. با بررسی انواع شاخصهای برازش مشخص می‌شود که مدل ما از برازش قابل قبولی برخوردار است. شاخصهای برازش مطلق که مبتنی بر تفاوت دو ماتریس بوده در حد قابل قبول هستند. زیرا آماره‌ی کای اسکوتر معنادار نیست و کای اسکوتر نسبی  $=2.82$

$\chi^2/df$  نیز در محدوده‌ی قابل قبول قرار دارد. شاخص نیکویی، برازش (GFI=.97) و نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI=.95) در حد قابل قبول هستند که این بیانگر برازش مدل تجربی ارائه شده در بالاست. همچنین شاخصهای برازش تطبیقی از جمله شاخص برازش هنجار شده (NFI=.96) و شاخص برازش تطبیقی (CFI=.97) هم بیانگر مناسب بودن مدل هستند. در نهایت شاخصهای برازش مقتصد که در رابطه با درجه‌ی آزادی است نیز در حد قابل قبولی است. زیرا آماره ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=0.05)، بیانگر برازش قابل قبول مدل مسیر است. در کل این آماره‌ها نشان می‌دهند که مدل نظری ما توسط داده‌های نمونه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

شهروندی یکی از حوزه‌های مهم در جوامع امروزی است. در دنیای مدرن علاوه بر اینکه حقوق شهروندی به شدت مورد مراقبت دولتها و سازمانهای غیر دولتی قرار می‌گیرد، وظائف شهروندی نیز توسط شهروندان مورد توجه جدی است. مسئولیت اجتماعی شهروندان در حوزه‌های مختلف، برای بقای هر جامعه‌ای ضروری است اما در جوامع در حال گذار که انسجام اجتماعی در آنها سست شده است، به نوعی با فردگرایی مسئولیت‌گریزی در حوزه‌های مختلف روبرو است. یکی از حوزه‌های شهروندی که در این جوامع با چالش جدی روبروست، شهروندی زیست‌محیطی است. در این جوامع از جمله ایران، شهروندان از جمله مردم عادی و سازمانها به شدت نسبت به محیط زیست ان بی‌تفاوت هستند به طوری که با نوعی بی‌تفاوتی زیست‌محیطی در میان شهروندان روبرو هستیم. بی‌توجهی مردم نسبت به مسأله‌ی زباله، آب و موضوعات زیست‌محیطی دیگر، گواهی بر مسئولیت‌گریزی شهروندان در حوزه‌ی محیط زیست یا بی‌تفاوتی زیست‌محیطی است.

هارولد کاپلان<sup>۱</sup> و بنیامین سادوک<sup>۱</sup> بی‌تفاوتی را حالتی از نبود احساس درونی و عاطفه،

عدم علاقه و درگیری هیجانی نسبت به محیط خود تعریف نموده‌اند (کاپلان و دیگران، ۱۳۷۵، مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲). به عقیده‌ی کاپلان، طبیعت دلیل فجاج نیست؛ آنچه منجر به فاجعه در کره زمین می‌شود، بی‌تفاوتی انسان نسبت به طبیعت است. در جامعه‌ی ما، بی‌تفاوتی نسبت به محیط زیست بر شدت و میزان معضلات زیست‌محیطی افزوده است بنابراین، پژوهش حاضر به تحلیل جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی زیست‌محیطی شهروندان شهر یزد پرداخته است. در این تحقیق با استفاده از نظریه‌ی تلفیقی استرن به بررسی تأثیر عوامل چهارگانه‌ی نگرشی، عادت‌ی، زمینه‌ای و توانایی شخصی بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی پرداخته شده است.

بررسی بی‌تفاوتی زیست‌محیطی در جامعه‌ی مورد نظر بیانگر این است که شهروندان شهر یزد از بی‌تفاوتی متوسطی نسبت به محیط زیست برخوردارند. بر اساس نظریه‌ی استرن نگرش فرد تأثیر مهمی بر رفتار او دارد. از نظر او نگرش شامل ارزشها و باورهای زیست‌محیطی فرد است. طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق، بین نگرش زیست‌محیطی، احساس مسئولیت و احساس با بی‌تفاوتی زیست‌محیطی، رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه این متغیرها ضعیفتر باشند، بی‌تفاوتی زیست‌محیطی نیز بیشتر خواهد شد. این موضوع در رابطه با مسأله زباله‌پراکنی که مصداقی از بی‌تفاوتی زیست‌محیطی است تأیید شده است (فیروزجائیان، ۱۳۹۴، شوتز، ۲۰۱۲؛ شوتز و همکاران، ۲۰۱۳). از نظر پرتینگا و همکاران (۲۰۰۴) در ارتباط با مسائل محیط زیستی، که اغلب از تضاد بین منافع جمعی و فردی بر می‌خیزد، ارزش‌ها ممکن است نقش مهمی بازی کنند. رفتارهای محیط زیستی ممکن است به خوبی از ارزش‌هایی که نفع شخصی را تعالی می‌بخشند، بر خیزند. از طرف دیگر در بحث ارزش‌ها، تعادل بین ارزش‌های درونی و بیرونی محیط زیست گرایانه‌ی فرد، نقش مهمی در رفتار فرد ایفا می‌کنند. ارزش‌هایی چون احترام به دیگران، میل به مراقبت از محیط زیست یا فضاهای خاص، احساس مالکیت مانع از رفتارهای ضد محیط‌گرایانه می‌گردند.

این موضوع در رابطه با تأثیر احساس مسئولیت بر رفتار نیز تأیید شده است (دیویس و همکاران، ۲۰۰۲، اولاینکا و بلگان، ۲۰۱۱). یکی از متغیرهای مورد نظر استرن تأثیر توانایی‌های شخصی بر رفتارهای زیست‌محیطی است. در این تحقیق دانش زیست‌محیطی به عنوان شاخصی از توانایی شخصی فرد مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج تحقیق هرچقدر فرد نسبت به محیط زیست و خطرات تهدیدکننده‌ی آن اطلاعات بیشتری داشته باشند، نگرش او نسبت به محیط زیست حمایتی بوده و حس اثربخشی او افزایش خواهد یافت؛ در این صورت بی‌تفاوتی او نسبت به محیط زیست کاهش می‌یابد. این موضوع در تحقیقات لیونس و بریکول (۱۹۹۴) و کلسند (۲۰۰۸) نیز تأیید شده است.

عادت یکی از متغیرهای تأثیرگذار در رفتارهای زیست‌محیطی در جامعه‌ی ماست؛ بدین معنا که در بسیاری موارد رفتاری خاص مثل زباله‌ریزی در محیط زیست و یا استفاده‌ی بی‌رویه آب و مواردی از این دست، جزء ذاتی رفتار ما شده است. گویا انتخاب دیگری مثلاً در نحوه‌ی برخورد با زباله جز دور کردن آن از خود به هر شکل نداریم. این وضعیت که در جامعه‌ی ما بصورت عرف درآمده است طبعاً در طول سالیان دراز شکل گرفته است و همانگونه که از نتایج این تحقیق برمی‌آید شکل‌گیری عادات مثبت زیست‌محیطی، تأثیری کاهنده در بی‌تفاوتی زیست‌محیطی افراد جامعه خواهد داشت؛ آنگونه که در رفتاری مثل زباله‌پراکنی نیز تأیید شده است (غلامرضازاده، ۱۳۹۳).

در مجموع می‌توان گفت که بی‌تفاوتی در جامعه‌ی ما چه در سطح فردی و چه در سطح سازمانی، مسأله‌ای جدی در حوزه‌ی شهروندی زیست‌محیطی است. نگرش مردم و مسؤولان نسبت به طبیعت طلبکارانه، که منابع آن تمام نشدنی است می‌باشد. در تصورات ما محیط زیست می‌تواند به عنوان سطل زباله به راحتی مورد استفاده قرار گیرد. آب منبعی طبیعی است که تمام نشدنی و به راحتی با باز کردن شیر آب قابل دسترسی است. در مورد جنگلها، مراتع، دریا و منابع دیگر همین تصور بر ما غالب است. بر همین اساس است که هنوز به قدر کافی نسبت به مسائل زیست‌محیطی حساس نشده‌ایم و در

نوعی بی‌تفاوتی به سرمی‌بریم. به نظر می‌رسد بخشی از این بی‌تفاوتی تحت تأثیر عدم آگاهی زیست‌محیطی و نگرش حاصل از آن نسبت به محیط زیست است. لازم است نهادهای فرهنگی برای افزایش آگاهی و دانش زیست‌محیطی از مدرسه تا دانشگاه، از خانواده تا رسانه‌ها اقدام کنند. مسؤولیت‌پذیری زیست‌محیطی در جامعه و شکل‌گیری نوعی فرهنگ حمایت‌گرانه‌ی زیست‌محیطی می‌تواند بسیاری از آسیب‌های زیست‌محیطی در جامعه ایرانی را پیشگیری کرده و یا کاهش دهد.

### منابع

- التیامی نیا، رضا و حسینی، علی. (۱۳۹۴). جهان‌بینی سلطه‌گرای مدرنیته و ارتباط آن با بحران‌های محیط زیستی در جهان. **فصلنامه‌ی انسان و محیط زیست**، دوره‌ی ۲۳.
- حاجی زاده میمنندی، مسعود؛ سیار خلیج، حامد؛ شکوهی فر، کاوه. (۱۳۹۳). بررسی عوامل فرهنگی مرتبط با رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهر یزد). **فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۳، صص ۹-۳۲.
- حسینی، محمدرضا؛ طالب پور، اکبر؛ امامعلی زاده، حسین. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر رفتار نوع‌دوستانه در بین شهروندان همدانی در سال ۱۳۹۲. **فصلنامه‌ی توسعه اجتماعی**، ۹(۱).
- حقیقتیان، منصور؛ هاشمیان فر، سید علی؛ احمدیان، داریوش. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل ساختاری در شکاف بین نگرش و رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرمانشاه). **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، ۴(۴)، صص ۶۱۴-۵۹۳.
- زارع شاه آبادی، اکبر؛ حاجی زاده میمنندی، مسعود؛ لطفعلیانی ابرند آبادی، علی محمد؛ سلیمانی، زکیه. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی بر الگوی مصرف انرژی در خانوارهای شهر یزد. **پژوهش‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری انرژی**، ۱(۳)، صص ۵۰-۱۷.
- زمانی مقدم، افسانه؛ سعیدی، مهدیه. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش محیط زیست بر ارتقای دانش، نگرش و مهارت معلمان مقطع ابتدایی منطقه‌ی ۱۲ آموزش و پرورش تهران. **فصلنامه‌ی آموزش محیط زیست و توسعه‌ی پایدار**، ۱(۳).
- صالحی عمران، ابراهیم؛ آقامحمدی، علی. (۱۳۸۷). بررسی دانش، نگرش و مهارت‌های زیست‌محیطی معلمان آموزش دوره ابتدایی استان مازندران. **هفته‌نامه‌ی تعلیم و تربیت**،

۹۵.

- صالحی، صادق؛ امام قلی، لقمان. (۱۳۹۱). مطالعه‌ی تجربی رابطه‌ی آگاهی و رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج). مسائل اجتماعی ایران، ۳(۱)، صص ۱۴۷-۱۲۱.
- غلامرضازاده، فاطمه. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی رفتار زباله پراکنی در میان شهروندان (مطالعه موردی: گردشگران استان مازندران)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- فرهمند، مهناز؛ شکوهی فر، کاوه؛ سیارخلج، حامد. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد). <http://sid.ir>
- فولادیان، احمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی بین میزان بیگانگی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد. فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۵(۱۷)، صص ۱۴۴-۱۲۵.
- فیروزجائیان، علی اصغر؛ غلامرضازاده، فاطمه. (۱۳۹۴). شرایط محیطی اثرگذار بر زباله‌پراکنی در استان مازندران با تأکید بر شرایط محیطی تسهیل‌کننده‌ی آن. فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۰(۲۹)، صص ۱۴۴-۱۲۳.
- قاسمی، ناصر؛ کلتی، حاجی مراد. (۱۳۸۹). بررسی علل و عوامل ارتکاب شکار و صید در استان‌های مازندران و گلستان و ارائه‌ی شیوه‌های حقوقی کاهش این جرایم. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۶(۹۳).
- قاضی زاده، هورامان؛ کیانپور، مسعود. (۱۳۹۳). بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۴(۱)، صص ۷۸-۵۹.
- کاپلان، هارولد، سادوک. (۱۳۷۵). واژه‌نامه‌ی جامع روانپزشکی و روانشناسی، گروه مترجمان، تهران: انتشارات بدر
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات ارسباران.
- کلاتتری، صمد؛ ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسو؛ احمدی، سیروس. (۱۳۸۶). بررسی بی‌تفاوتی

- و نوع‌دوستی در جامعه‌ی شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن. دو ماهنامه‌ی علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهارم، شماره‌ی ۲۲.
- مجیدی، امیر؛ احمدی، یعقوب؛ زاهدی، محمدجواد. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام نور مرکز سنندج. **پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد**، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، دانشگاه پیام نور، تهران، دانشکده‌ی علوم اقتصادی و اجتماعی، جامعه‌شناسی.
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی. **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، ۱۶۷، صص ۱۶۵-۱۵۲.
- میردامادی، سید مهدی؛ جوکار، گلناز. (۱۳۸۹). دیدگاه دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر شیراز نسبت به حفاظت از محیط زیست. **مجله‌ی پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی**، ۳(۱).
- نبوی، سید عبدالحسین؛ شهریار، مرضیه. (۱۳۹۳). دین، اخلاق و محیط زیست. **فصلنامه‌ی انسان و محیط زیست**، ۲۹.
- نوابخش، مهرداد؛ میرزاپوری ولوکلا، جابر. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهروندان بابل). **فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران**، شماره‌ی ۳، صص ۵۳-۶۷.
- Abraham, J., Pane, M. M., & Chairiyani, R. P. (2015). An Investigation on Cynicism and Environmental Self-Efficacy as Predictors of Pro-Environmental Behavior. **Psychology**, 6, 234-242.
- Cone, A. (2010). **Apathy to Action: A Strategic, Interdisciplinary Approach to Changing Environmental Behavior**: In partial fulfillment of a Bachelor of Arts Degree in Environmental Analysis 2010/11 academic year, Pomona College, Claremont, California.
- Doherty, K. L. (2014). **From Alarm to Action: Closing the Gap between Belief and Behavior in Response to Climate Change**. Department of Environmental Studies, Doctoral dissertation, Antioch University).
- Haytko, D. L., & Matulich, E. (2008). Green advertising and environmentally responsible consumer behaviors: Linkages examined. **Journal of Management and Marketing Research**, 1, 2.
- <http://www.gallup.com/poll/127484/40th-Earth-Day-Image-Green->

[MovementPositive.aspx?utm\\_source=tagrss&utm\\_medium=rss&utm\\_campaign=syndication&utm\\_term=Environment](http://MovementPositive.aspx?utm_source=tagrss&utm_medium=rss&utm_campaign=syndication&utm_term=Environment)

- Kaiser, F. G., Ranney, M., Hartig, T., & Bowler, P. A. (1999). Ecological behavior, environmental attitude, and feelings of responsibility for the environment. **European psychologist**, 4(2), 59
- Karpiak, C. P. & Baril, G. L. (2008). Moral reasoning and concern for the environment. **Journal of Environmental Psychology**, 28(3), 203-208.
- Kellstedt, P. M., Zahran, S., & Vedlitz, A. (2008). Personal efficacy, the information environment, and attitudes toward global warming and climate change in the United States. **Risk Analysis**, 28(1), 113-126.
- Lertzman, R. A. (2010). **Myth of apathy: psychoanalytic explorations of environmental degradation** (Doctoral dissertation, CARDIFF UNIVERSITY (UNITED KINGDOM)).
- Lyons, E. & Breakwell, G. M. (1994). Factors predicting environmental concern and indifference in 13-to 16-year-olds. **Environment and Behavior**, 26(2), 223-238.
- Milfont, T. L. (2009). A functional approach to the study of environmental attitudes. *Medio ambiente y comportamiento humano: Revista Internacional de Psicología Ambiental*, 10(3), 235-252.
- Milfont, T. L., & Duckitt, J. (2010). The environmental attitudes inventory: A valid and reliable measure to assess the structure of environmental attitudes. **Journal of Environmental Psychology**, 30(1), 80-94.
- Nilsen, H. R., & Ellingsen, M. B. (2015). The power of environmental indifference. A critical discourse analysis of a collaboration of tourism firms. **Ecological Economics**, 109, 26-33.
- Poortinga, W., Steg, L., & Vlek, C. (2004). Values, environmental concern, and environmental behavior: A study into household energy use. **Environment and Behavior**, 36(1), 70-93.
- Sawitri, D. R., Hadiyanto, H., & Hadi, S. P. (2015). Pro-environmental Behavior from a SocialCognitive Theory Perspective. **Procedia Environmental Sciences**, 23, 27-33.
- Stern, P. C. (2000). New environmental theories: toward a coherent theory of environmentally significant behavior. **Journal of social issues**, 56(3), 407-424.
- Stern, P. C., Dietz, T., Abel, T., Guagnano, G. A., & Kalof, L. (1999). A value-belief-norm theory of support for social movements: The case of environmentalism. *Research in Human Ecology*, 6(2), 81-97.
- Schultz, P.W., Bator, R.J., Large, L.B., Bruni, C.M., Tabanico, J.J. (2013). Littering in context: Personal and environment predictors of



- littering behavior. *Environment and Behavior* 45(1), 35–59
- Schwartz, S. H. (2012). An Overview of the Schwartz Theory of Basic Values. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1). <https://doi.org/10.9707/2307-0919.1116>
  - Steward, F. (1991). Citizens of Planet Earth, in G. Andrews (Ed) *Citizenship* London: **Lawrence and Wishart**, 65-75.
  - Thompson, S. C. G. & Barton, M. A. (1994). Ecocentric and anthropocentric attitudes toward the environment. **Journal of Environmental Psychology**, 14, 149-157.
  - Triandis, H.C. (1980). Values, attitudes and interpersonal behavior. In H. Howe and M. Page (Eds), *Nebraska Symposium on Motivation*, 1979, 27, 195-260. Lincoln, NE: University of Nebraska Press.